

پس از ویروس کرونا، حمایت از «نیروی کار» در آمریکا چگونه خواهد بود؟

این متن، ترجمه‌ای از مقاله زیر در سایت مجله معروف «**Harvard Business Review**» است که توسط تیم داوطلبین «مدرسه توسعه پایدار» (sdschool.ir) و به جهت آشنایی محققان، علاقه‌مندان و سیاست‌پژوهان با ابعاد اجتماعی-اقتصادی بحران کرونا در سطح جهانی و بهره‌گیری از درس‌آموخته‌های آن برای سیاست‌گذاری بهتر در داخل کشور عزیزمان، ترجمه شده است. انتشار این مقاله توسط «مدرسه توسعه پایدار» به معنی هم‌سویی و تأیید تمام نظرات نگارندگان مقاله نیست. برای مطالعه بقیه مقالات از این دست، می‌توانید به وبسایت مدرسه توسعه پایدار، بخش منابع، مراجعه کنید. دسترسی به این مقاله، برای اهداف غیرتجاری، رایگان است:



What Will U.S. Labor Protections Look Like After Coronavirus?

Source: <https://hbr.org/2020/04/what-will-u-s-labor-protections-look-like-after-coronavirus>

نویسنده: مگان توبیاس نیلی

مترجم: شیوا اسفاری-کانون همراهان «مدرسه توسعه پایدار»

۲ آوریل ۲۰۲۰



وقتی داشتیم این مقاله را می‌نوشتیم، مشغول بررسی علائم بیماری بودم و منتظر بودم جواب تستی که برای کووید-۱۹ داده بودم بیاید. این ویروس، زندگی من، و تمام انسان‌ها را فارغ از جایگاهشان در طیف اجتماعی-اقتصادی، زیر و رو کرده است.

اما عواقب این موضوع بر دوش افرادی که در پایین‌ترین بخش توزیع دستمزد قرار دارند، بیشتر سنگینی می‌کند. این بخش، شامل کسانی می‌شود که سلامت‌شان را به خطر می‌اندازند تا به ما خوار و بار بفروشند، علائم حیاتی‌مان را بررسی کنند، و بیمارستان‌هایمان را ضد عفونی نمایند. اما، موضوعی که در این هرج و مرج به راحتی گم شده، این است که بحران حاضر می‌تواند فرصتی باشد برای اصلاح شرایط حمایت از کارکنان؛ نه به طور موقت، بلکه به شکلی دائمی.

در شرایطی که بازار پیوسته در حال رشد و ارتقای شاخص‌ها باشد، کارفرمایان و سیاست‌گذاران، سختی‌هایی که بر دوش کارگران با حداقل دستمزد وجود دارد را ناشی از کاستی‌های خود کارگران می‌دانند. اما زمانی که بازار زمین می‌خورد، می‌فهمیم که این مشکلات نشانگر نقاط ضعف مزمن در کل سیستم است.

همان گونه که وارن بافت (۱) در مورد شکست صنعت بیمه-که پس از طوفان "اندرو" سال ۱۹۹۳ نمایان شد-نوشته بود: «وقتی موج پایین می‌رود، می‌فهمی چه کسانی عریان بوده‌اند!». متخصصین برای صحبت از شرکت‌هایی که به نظر سالم می‌رسند، اما در مواقع بحران و چالش، زنده به گور می‌شوند، از این گزاره استفاده می‌کنند. این ماه، اما، بازار دسته جدیدی از شناگران عریان را هم معرفی کرد: دولت و نظام اقتصادی که کارگران را مایوس می‌گذارد، و کارفرمایانی که نتوانسته یا نخواهند توانست این شکاف را در سیاست‌های عمومی پر کنند.

در واکنش به ویروس کرونای جدید، بازار بورس از اواخر فوریه تقریباً در حال سقوط آزاد بوده است. کارگران کم درآمد در بخش خدمات شاهد تعدیل نیروهای گسترده هستند. بازارهای در حال رکود، نابرابری‌های بسیار دیگری را نیز در میان نیروی کار بوجود آورده که به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که از حمایت‌های کارگری مانند خدمات درمانی مقرون به صرفه، امکانات دورکاری و امنیت کاری برخوردارند؛ و گروه دیگری که از این امکانات برخوردار نیستند.

این گروه دوم، که شامل طبقه کارگر می‌شود، غالباً دسترسی مناسبی به خدمات درمانی ندارند و هزینه‌های بیشتری به ایشان تحمیل می‌شود. تقریباً ۲۴ میلیون بزرگسال در سن کار در آمریکا وجود دارد که بیمه نیستند. کسانی که دیپلمه هستند یا دبیرستان را تمام نکرده‌اند، کمترین امکان را برای بیمه شدن دارند. علاوه بر این، گروه‌های اقلیت قومی و نژادی، با موانع جدی برای گرفتن «کار خوب» مواجه‌اند. این گروه‌ها ۶۰ درصد از افراد بیمه نشده را تشکیل می‌دهند اما تنها ۴۰ درصد از کل جمعیت هستند.

یک چهارم تمام کارگران آمریکا امکان مرخصی استعلاجی با حقوق ندارند. گزینه‌های محدودی برای کار در منزل وجود دارد، اما بسیاری از افراد توان مالی کافی برای کار نکردن و در خانه ماندن را ندارند. در میان کارگران در پایین دهک توزیع درآمد، تنها ۳۱ درصد امکان مرخصی استعلاجی با حقوق دارند. جهت مقایسه، ۹۴ درصد از بالاترین دهک توزیع درآمد، امکان مرخصی استعلاجی با حقوق دارند.

در حالی که بسیاری از متخصصان از حمایت‌های بسیاری برای گذر از بحران با معیشت و سلامت کامل خانواده بهره‌مندند، کارگران با حداقل دستمزد در بخش خدماتی، گزینه‌ها و منابع بسیار کمی برای ماندن در خانه و توجه به وضع سلامت خودشان دارند؛ چه رسد به عزیزانشان. و این بار مراقبت و نگهداری، عمدتاً بر دوش زنان (۲) می‌افتد. کارگرانی که دسترسی به خدمات درمانی و مرخصی با حقوق

ندارند، همچنین در معرض بیشترین خطر اخراج یا کم شدن حقوقشان هستند. سرنوشت کارگران خدماتی (۳) در صنایع مربوط به غذا و مسافرت، نشانگر وضع پیش روست. به همین ترتیب، کارمندان مستقل، کارگران مهاجر، و کارکنان اقتصاد غیر رسمی نیز به شدت آسیب پذیر هستند.

اما، چگونه به اینجا رسیدیم؟ از اواخر دهه ۱۹۷۰، مدیران، افزایش سود سهام سهامداران را نسبت به حمایت از کارمندانشان (که کار آنها برون سپاری، مکانیزه و یا تعدیل نیرو شده بود) در اولویت قرار دادند. من و "کن-هو لین" در کتاب «محروم شده: نابرابری در دوران فاینانس» (۴)، توضیح می‌دهیم که چگونه این تغییر در حکمرانی شرکتی، قدرت چانه‌زنی کارگران را محدود کرده است. اگرچه پوشش بیمه پس از لایحه "مراقبت مقرون به صرفه" افزایش پیدا کرد، شرایط کاری کلی، حمایت‌ها و دستمزد، کاهش داشته است.

یک شبکه ایمنی قدرتمندتر، می‌تواند عواقب رکود اقتصادی پیش رو را بر کارگران کاهش دهد. سال‌های سال، سیاست‌گذاران آمریکا، سیستم درمانی سراسری را، به دلیل وسعت و هزینه‌های راه اندازی بالایش، غیر عملی پنداشته‌اند. اما اکنون که اعلام بیکاری، افزایشی تاریخی داشته است (۵) و آمریکایی‌ها با بی‌ثباتی سیستم درمانی، در یک همه‌گیری مواجه شده‌اند، این بحران، مسئله زیربنایی ارتباط میان سیستم درمانی و اشتغال را عیان کرده است.

مرخصی استعلاجی با حقوق و نظام خدمات درمانی سراسری (۶) استرس‌هایی که کارگران با آنها مواجه می‌شوند را کاهش داده و تضمین می‌کند که کارگران بیمار، زمان لازم برای بهبودی را پیدا کنند و البته وقتی به کار بر می‌گردند، کارایی بیشتری هم داشته باشند. بدون هزینه‌های مربوط به بیمه‌کردن کارگران، کارفرمایان پول بیشتری برای پرداخت به کارگران دارند. افزایش درآمد کارگران، موجب می‌شود که افراد پول بیشتری خرج کرده و اقتصاد هم به تحرک در بیاید.

حمایت‌های گسترده‌تر، همچنین باعث بهبود شرایط کارکنان خویش فرما، کارکنان قراردادی و کارآفرینان آینده می‌شود. آمریکا نسبت به کشورهایی که سیستم درمانی سراسری دارند (مانند اسپانیا با ۱۶٪)، نرخ کارکنان خویش فرمای کمتری دارد (۳، ۶٪)، و نرخ استخدام در کسب و کارهای کوچک در آمریکا از همه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD-بجز روسیه، کمتر است (۷). کم کردن وابستگی کارگران به کسب و کارهای بزرگ، به آنها کمک می‌کند تا مشاغلی بیابند که با توانایی‌هایشان سازگاری بیشتری دارد و در نتیجه خلاقیت و چالاکی در اقتصاد افزایش می‌یابد.

در این برحه حساس، موقعیتی فراهم شده تا در شرایط موجود، تغییرات ماندگارتری ایجاد کنیم که وضعیت تمام نیروی کار بهبود یابد. همانگونه که جامعه شناسان مطرح کرده‌اند (۸)، بحران و رکود، در بنیاد نظام‌هایی که نابرابری ایجاد کرده‌اند، شکست ایجاد می‌کند. و تاریخ مثال‌هایی به دستمان می‌دهد که چگونه شرایط بحران را به فرصت‌هایی تبدیل کنیم که نابرابری را کاهش دهیم. پس از رکود بزرگ سال ۱۹۲۹، نرخ بیکاری تا ۲۵٪ در سال ۱۹۳۳ رسید. در کمتر از ۳ سال، برنامه اقتصادی و اجتماعی فرانکلین روزولت -New Deal-، نرخ بیکاری را تا ۹٪ کاهش داد (۹). این برنامه با بهره‌گیری از گستره وسیعی از فعالیت‌های بخش عمومی و پروژه‌های حفاظتی به این موفقیت دست یافت.

برنامه روزولت، جامعه آمریکا را با اقداماتی نظیر برپا کردن ساختمان‌ها و مجسمه‌های نمادین، گرفته تا حفاظت از "دُرناي جارچی"، توسعه مناطق روستایی ایالات متحده، و کاشت یک میلیارد درخت متحول کرد(۱۰). کارگران این برنامه، به ساخت یا نوسازی ۲۵۰۰ بیمارستان، ۴۵۰۰۰ مدرسه، و ۷۰۰،۰۰۰ مایل (بیش از ۱۲۶ میلیون کیلومتر) جاده پرداختند. این برنامه موجب استخدام ۶۰٪ از بیکاران، از جمله ۵۰،۰۰۰ معلم، ۳۰۰۰ نویسنده و هنرمند مانند "جکسون پولاک" و "ویلم د کونینگ" شد. این برنامه با کم کردن نابرابری بین داراها و ندارها، ایجاد اشتغال کرد و کشور را حفظ و مدرنیزه کرد.

در مواجهه با تهدید اقتصادی مشابهی که با برخاستن این همه‌گیری ناشی از کرونا پیش آمده، گزینه‌ای مشابه نیز داریم که تنها یک بار در قرن پیش می‌آید تا از آن طریق، تغییرات پایداری در چالش‌های مبرم روزگارمان، از نابرابری گرفته تا تغییرات اقلیمی، ایجاد کنیم.

در بحران امروز، می‌توانیم همان رویکرد اقتصادی «سرریز به پایین» (trickle-down) که در بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ به کار گرفته شد را دوباره آزمون کنیم: یعنی مشوق‌هایی برای بانک‌ها، بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران‌شان، همگام با تخفیف‌های مالیاتی و پشتیبانی‌های کوتاه مدت دستمزد به عنوان «چسب زخمی» برای کارگران بینوا که با مشکلاتی مواجه شده‌اند. اما من و "لین" دریافتیم که در آن مقطع، بسیاری از کارگران از این رویکرد ضربه دیدند و نابرابری وخیم‌تر شد، چرا که بانک‌ها بجای سرمایه‌گذاری، پولی که به حرکت درآمده بود را ذخیره کردند و شرکت‌ها این پول را قرض کردند تا سهام خود را مجدداً خریداری کرده و سهامداران و مسئولین رده بالا را ثروتمندتر کنند.

هفته گذشته، رئیس جمهور طرح فراگیر ۲ تریلیون دلاری را امضا کرد(۱۱) که ترکیبی از تخصیص پول برای ایالات، وام برای کسب و کارهای تحت فشار، و تسویه حساب‌های مالیاتی، مرخصی‌های با حقوق، مزایای بیکاری، و پول نقد برای اکثر شهروندان است. اما این برنامه تنها مزایای موقتی برای کارگران در بر دارد. گرچه این مصوبه نظارت جدی دارد و بازخورد سهام را منع می‌کند، به نظر نمی‌رسد که در کاهش نابرابری موثر باشد؛ مگر اینکه شرایط ساختاری که موجب آسیب‌پذیری برخی کارگران شده است را هدف قرار دهد.

هرچند یک رویکرد مشابه روزولت ممکن است در میانه یک ویروس مسری غیر قابل دستیابی باشد، اما باید و شاید که سیاست‌های دائمی وضع کنیم که تمام کارگران از آن بهره‌مند شوند. مرخصی استعلاجی با حقوق(۱۲) و خدمات درمانی باید یک حق سراسری باشند. ما می‌توانیم یک رویکرد «انعطاف‌امن» (flexicurity) در رابطه با سیاست‌های کار اتخاذ کنیم - مانند مدل دانمارکی آن(۱۳). دانمارکی‌ها هم برای کارفرمایان، انعطافی فراهم کردند که بتوانند کارگران را بر حسب نیاز استخدام و اخراج کنند و هم برای کارگران از طریق مزایای سخاوتمندانه و آموزش‌های مجدد در زمان‌های بیکاری، امنیت فراهم کرده‌اند.

در این حین، من پس از ۲ هفته و نیم مشاهده علائم، از سرفه خشک گرفته تا تنگی نفس و تب پایین، جواب آزمایش منفی شد. به لطف سیستم درمانی و بیمه‌ای که از طریق کارفرمایم فراهم شده است، می‌توانم به کاری که برایش اهمیت قائل هستم ادامه دهم.

همزمان با من که در حال بهبودی هستم، کارگرانی که به ما خوار و بار می‌فروشدند، برایمان غذا فراهم می‌کنند، محل کارمان را تمیز می‌کنند، و ما را به دکتر می‌رسانند نیز نیازمند مراقبت هستند. در این همه‌گیری، کارگران، زندگی و سلامت خود را به خطر می‌اندازند. و لایق همان میزان مراقبت‌هایی هستند که افرادی که از خدمات‌شان استفاده می‌کنند، دریافت می‌کنند: دسترسی به داروهای پیشگیرانه و درمان جامع، زمان کافی برای استراحت و بهبودی از بیماری و مراقبت از عزیزانشان. ویروس کرونا، شانس برای ماست که این حمایت‌ها را در دوره‌های بحران و همچنین تا آینده دور، وسعت ببخشیم.

* "مگان تویباس نیلی" (۱۴) جامعه‌شناس و محقق در فوق‌دکتری در آزمایشگاه VMware Women's Leadership Innovation در دانشگاه استنفورد است. وی در حال حاضر مشغول به نوشتن کتابی در رابطه با صندوق‌های پوشش ریسک است و همچنین در کتاب «محروم شده: نابرابری در دوران فاینانس» (انتشارات آکسفورد، ۲۰۲۰) با "کن-هو لین" مشارکت داشته است.

*ته نویس‌ها:

- (1) <https://www.berkshirehathaway.com/letters/1992.html>
- (2) <https://www.theatlantic.com/international/archive/2020/03/feminism-womens-rights-coronavirus-covid19/608302/>
- (3) <https://www.washingtonpost.com/business/2020/03/11/layoffs-coronavirus/>
- (4) <https://global.oup.com/academic/product/divested-9780190638313?cc=us&lang=en&>
- (5) <https://www.pbs.org/newshour/economy/new-unemployment-benefit-claims-rise-to-levels-unseen-in-recent-u-s-history>
- (6) <https://www.epi.org/publication/medicare-for-all-would-help-the-labor-market/>
- (7) <https://www.oecd.org/about/members-and-partners/>
- (8) <https://www.sup.org/books/title/?id=2532>
- (9) <https://ritholtz.com/2009/02/time-for-a-new-%E2%80%9Cnew-deal%E2%80%9D/>
- (10) <https://ritholtz.com/2009/02/time-for-a-new-%E2%80%9Cnew-deal%E2%80%9D/>
- (11) <https://www.nytimes.com/article/coronavirus-stimulus-package-questions-answers.html>
- (12) <https://www.nytimes.com/2020/03/10/upshot/coronavirus-paid-sick-leave.html>
- (13) <https://www.star.dk/en/about-the-danish-agency-for-labour-market-and-recruitment/flexicurity/>
- (14) <http://www.megantobiasneely.com/>